

سرمقاله

غفلت دولت و موج جدیدی از مهاجرت

حفیظ الله زکی

وضعیت نابسامان کشور مردم را وادار به تحمل سختی ها و تهدیدهای مهاجرت به خارج از کشور کرده است. ناامنی های که پیش از این در حملات انتحاری، مابین های کنار جاده ای و احیاناً عملیات های کوچک چریکی محدود می شد؛ امروز به جنگ های جبهه ای و رویارو تبدیل شده و حملات انتحاری شدیدتر و تاکتیک حملات نیز پیچیده تر و بیرحمانه تر گردیده است. امروز ما تنها با طالبان و شبکه حقایق مواجه نیستیم. گروه های خطرناک و توپهوری به وجود آمده که نه در فکر قضاوت مردم است و نه در بند حقوق بشر و موجد گیری های سازمان ملل. خودشان اند و ایده های افراطی و عمل بیرحمانه و غیر انسانی شان.

وضعیت سیاسی کشور که اصلا قابل تعریف نیست. اختلافات درون حکومتی و دشواری های تصمیم گیری، فاصله میان دولت و مردم را بیشتر کرده و نارضایتی های عمومی را به اوج رسانده است. نابسامانی های سیاسی که با پیامدهای منفی در سایر عرصه ها همراه گردیده، حکومت افغانستان را در انتظار بین المللی به ناکارا ترین حکومت دنیا تبدیل کرده است.

در ادارات هم که فساد موج می زند. آنچه در ادارات دیده می شود، فساد است و آنچه هرگز مشاهده نمی شود، کار معتمدانه و عمل صادقانه از سوی دولتمردان و کارمندان اداری است. کارمندان ادارات فکری می کنند که برای مدت کوتاهی در پست شان می باشند و با گمان می کنند که قانون شکنی و بی پرستی که هم اکنون در ادارات حاکم می باشد، ممکن است در آینده نه چندان دور، تحت کنترل بیاید و کارمندان در برابر وظایف خود مسؤل شناخته شوند.

ایمن فکر آنها را وا داشته تا از هر راهی که می توانند، بیشترین بهره مادی را ببرند و به قول خودشان فرصت را از دست ندهند. امروزه دولتمردان ما در انتظار عمومی به هیولاهایی تبدیل شده اند که به جای خدمت به مردم و تلاش برای نجات کشور، سرمایه به هاستی آنها را بی باکانه می بلعند و دارایی ملی را بیرحمانه به تاراج می برند.

امروز مردم از بیکاری و فقر به ستوه آمده اند، ولی سرمایه های دولتمردان به ارقام نجومی می رسند. در سالیهای گذشته مردم تلاش می کردند، بچه های شان را به مکتب بفرستند تا وارد دانشگاه شوند و به مدارج بالای علمی برسند، اما امروز همان مردم کوشش می کنند بچه های شان را از مکاتب و دانشگاهها بیرون کنند و برای کمک به مخارج خانواده و نجات از فقر و گرسنگی، برای کار به کشورهای خارج بفرستند.

مردم اعتمادشان را به صورت کامل نسبت به دولتمردان و دولت زنان از دست داده اند و به آنها به عنوان مدیران لایق و حاکمان دلسوز نگاه نمی کنند. سهمیه بندی پست ها و چوکی ها و واسطه بازی ها و زور سالاری ها، روند شایسته سالاری و قانونمداری را متوقف ساخته و سبب بیکاری و فقدان انگیزه تعلیم، تحصیل و کار در میان افراد شایسته، اما بی واسطه گردیده است. وقتی مردم می بینند که بستگان پانزده و شانزده ساله رهبران و قدرتمندان بدون حضور در اداره و به شکل غیابی، پست های مهم برای شان رزرو می شود و معاشات دالری برای شان مقرر می شود، اما هزاران فارغ التحصیل مقاطع لیسانس، ماستری و حتا دکترا از پیداکردن شغل خسته و درمانده شده و به کنج خانه ها روزگار می گذرانند. دیگر چه انگیزه و علاقه ای برای تعلیم و تحصیل برای جوانان باقی می ماند؟

وضعیت فعلی و شروع موج جدید مهاجرت به کشورهای خارجی، ضربات مهمی را به آینده این کشور وارد می سازد. جوانان سرمایه های علمی، اقتصادی و تأمین کننده نیروی فعال انسانی کشور در آینده می باشند؛ وقتی این جوانان بجای تعلیم و تحصیل، کارگری در کشورهای خارج را ترجیح بدهند، کشور ما با کمبود نیروی متخصص و فعال انسانی در سال های آینده مواجه خواهد شد. این امر بدون شک لطمه بزرگی به فرایند توسعه وارد کرده و سال ها این کشور را در عقب مانی و وابستگی به کمک های رایگان خارجی نگه خواهد داشت. دولت اگر دولت است باید به مشکل بیکاری و فقر توجه جدی مبذول دارد و جلوی سیل از مهاجران جوان را بگیرد.

هفت سال است که مسئله توزیع تذکره های الکترونیکی بر سر زبان هاست. اما تا کنون توزیع عملی آن آغاز نشده است. مشکلات تخنیکی، سیاسی و اجتماعی از بزرگترین مشکل فراروی توزیع تذکره های الکترونیکی است. اگر در آغاز کار، مشکل تخنیکی باعث تأخیر در توزیع تذکره الکترونیکی شده بود، اکنون اما، مشکل سیاسی مانع اصلی فراروی توزیع تذکره الکترونیکی است. با توجه به اهمیت اساسی تذکره الکترونیکی در ساخت دولت الکترونیک، سرشماری نفوذ و در نهایت کمک آن در پالسی سازی لازم است نکات را در ذیل بنگارم.

اول؛ در تاریخ سیاسی افغانستان یک گروه اجتماعی به خاطر اکثریت خواندن خود بر گروه های اجتماعی دیگر حکومت کرده اند. مسئله اکثریت و اقلیت در درون جدید مبنای تقسیم قدرت قرار گرفت. در کنفرانس بن مبنای تقسیم قدرت میان گروه های اجتماعی میزان نفوذ گروه های اجتماعی در نظر گرفته شد. بر این اساس، توزیع تذکره الکترونیکی گامی اساسی در راستای سرشماری جمعیت افغانستان است و مسئله تقسیم قدرت را حل می کند. مشخص نبودن میزان جمعیت گروه های اجتماعی یکی از مهمترین دلایل جدال قدرت میان نخبگان گروه های اجتماعی مختلف بوده است. با توزیع تذکره الکترونیکی منازعه قدرت تا اندازه زیاد جنبه عقلانی به خود می گیرد. توزیع قدرت در میان گروه های اجتماعی را تسهیل می بخشد. بنابراین، از این جهت، توزیع تذکره الکترونیکی کارکرد مهم در سازوکار قدرت دارد.

عقلانی شدن جدال و منازعه قدرت اما، باعث می شود که افغانستان که چشم انداز جدیدی بر روی افغانستان باز شود. زیرا، حل شدن مسئله بحران قدرت باعث می شود که بن بست های زیادی از سر راه برداشته شود و راه های زیادی به سمت توسعه یافتگی بر روی کشور گشوده شود. بنابراین، امکان عبور از گردنه مشکلات و بحران های کنونی ممکن گردد. دوم؛ در دنیای کنونی، پالسی سازی و برنامه

ریزی در شهر و روستا در سطح محلی و ملی بر مبنای میزان جمعیت صورت می گیرد. در صورت مشخص نبودن میزان جمعیت یک کشور پالسی ها و برنامه های حکومت و نهاد های خصوصی به بن بست مواجه می شود و در بسی موارد ناکارآمد جلوه می کند. مشخص نبودن میزان جمعیت در سطوح مختلف پالسی سازی اما، بیش از همه در بخش تخصیص بودجه ضربه می زند. کمبود بودجه در اجرای یک پالسی و برنامه تمام پالسی را به چالش می کشد و امکان اجرای درست و استاندارد هر پالسی را با مشکل مواجه می سازد. از این جهت، تذکره الکترونیک با مشخص نمودن میزان جمعیت کمک بزرگی در تدوین، اجرای پالسی در سطح ملی و محلی می کند. جدا از این مسئله، بنا بر برخی الگوها سیاست خارجی کشور ها نیز بر مبنای جمعیت کشور ها تدوین می گردد. از این جهت، مشخص نمودن میزان نفوذ به نوعی امکان تغییر منزلت کشور در سطح بین الملل نیز فراهم می کند. زیرا، سیاست خارجی به صورت دقیق موفقیت سیاست خارجی در دست یابی به اهداف سیاست خارجی و منافع ملی را ممکن می گرداند.

سوم؛ تجربه چهارده سال گذشته نشان داد که بخش از فساد های کلان که صورت گرفته است به خاطر مشخص نبودن میزان جمعیت ولایت ها، ولسوالی ها و در نهایت قریه ها بوده است. نمونه عینی و مشخص آن تخصیص بودجه به مکاتب و دانش آموزان خیالی بوده است. این یک نمونه بود که سیگار آن را افشا نمود. بدون شک، مواردی زیادی دیگر نیز هست که تا هنوز افشا نشده است. تخصیص بودجه به مکاتب و دانش آموزان خیالی نشان آن است که مشخص بودن جمعیت تأثیر به سزایی در کاهش فساد گسترده دارد. بنابراین، توزیع تذکره الکترونیکی به نوعی مبارزه با فساد نیز هست. این مسئله تأثیر به سزایی در روابط حکومت افغانستان با جامعه جهانی دارد. زیرا، فساد گسترده بر روابط حکومت با کشورهای غربی سایه افکنده است. با

تذکره برای شهروندان خارجی نیز ممکن است. بنابر گزارش ها هزاران نفر از شهروندان خارجی و به خصوص پاکستانی دارای تذکره افغانی می باشند. این شهروندان خارجی به راحتی در گوشه و کنار کشور به راحتی رفت و آمد دارد. این مسئله برای امنیت افغانستان امری منفی است. زیرا، به راحتی شهروندان خارجی می توانند امنیت کشور را به مخاطره بیاندازد. بخش از ناامنی ها به خاطر، رفت و آمد آسان شهروندان خارجی در کشور است. زیرا، تذکره کنونی شرایط بود و پاشی راحت را برای آن ها در تمام سطوح کشور فراهم کرده است. توزیع تذکره الکترونیک و مشخص نمودن شهروندان خارجی در فرایند توزیع تذکره الکترونیک باعث بهبود در وضعیت امنیتی کشور می گردد. بنابراین، به لحاظ امنیتی تذکره الکترونیک کمک بزرگی به اوضاع و احوال نابسامان کشور می نماید. در زمانه کنونی

این جهت، حکومت افغانستان با کنار گذاشتن مسائل سیاسی باید هر چه زودتر توزیع تذکره الکترونیک را آغاز نماید. چهارم؛ در شرایط کنونی اسکان گرفتن



شهروندان کشور بهانه به دست نخبگان سیاسی می دهد. به عنوان مثال درج نام مدار و ... از جمله موضوعات است که به عنوان بهانه دست آویز نخبگان کشور

شده است و باعث شده است که توزیع تذکره الکترونیک با تأخیر مواجه شود. در پایان باید گفت که تذکره الکترونیک سهولت های زیادی در پالسی سازی و سیاست گذاری کشور دارد. جدال و منازعه قدرت فرسایشی را از میان می برد. از فساد میلیونی و میلیاردی جلوگیری می کند. با این حال، همه چیز مانع جدی دیگری فراروی آن وجود ندارد. شهروندان کشور نیز باید با درک این مسائل ایراد گیری های خود را کنار بگذارند و بهانه ای برای تأخیر به دست اداره توزیع تذکره الکترونیک و نخبگان کشور ندهند. اگر توزیع تذکره الکترونیک منوط به اراده نخبگان سیاسی است، بخش دیگر شان استقبال مردم است. اگر مردم به بهانه های بیجا تذکره نگیرد و از پروسه توزیع حمایت نکنند، بدون شک توزیع آن با مشکل بر می خورد.

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورتو / ترجمه: فرهاد سلیمانیان / قسمت نهم

فضایی افراد همه چیزدان و آگاه از هر جهت را، مصادم برای کاربرد و رجوع همه جانبه، به دیگران توصیه می کنند. آهنگ های پرطرفدار آلمان در دوران آغازین فاشیسم، همان سوبه ای تاریخی کنجکاری را به طرز بسیار چشمگیری حفظ کرده اند. برای نمونه ترانه های مثل «بلندی سوت بزنی، ای یوهانسا! آره جون، بلدم!» [۱۶]. در این ترانه مهارت های ارتوتیک در وجود مفصل اشتیاق خوانندگان مرد در آهنگ، مانند قابلیت های لازم در بازار کاری پرازدحام به نظر می رسند.

در حالی که فرد همه چیز را در موردشان می داند. تفاوتی نمی کند که ارسطو در زمان خود در باره ی بی قراری ذاتی انسان برای دیدن و رویت چه می دانست، امروزه رویت پذیری به هر چیزی تحویل می شود که اسکان دیده شدن آن وجود دارد. چنین میلی رسوب انسان شناختی همان اجبار نظام انحصار برای لمس، دستکاری و جذب هر چیزی ممکن و البته ناتوانی در دستنخورده باقی گذاشتن چیزهاست. هرچه مجموعه ای کم تر تاب ورود امور جدید را داشته باشد، به همان نسبت خارج شدگان آن باید تمام تازه های فضای جدید بیرون آن مجموعه را بداندند تا اصولاً بتوانند خود را در محیط تازه زنده،

اطلاعات به سرسختانه ترین شکل، فساد ماهیت تصویر زیبایی شناختی را تقویت می کند. در همین راستا فیلم های سرگرم کننده هم تبدیل به خبر فیلیم یا فیلم های خبری و ادامه ی تبلیغات در مورد خودشان می شوند. در چنین تولیداتی مخاطب برای نمونه یاد می گیرد که لاتا ترنر [۵۸] با لباس زمستانی چطور به نظر می رسد، روش جدید فیلم برداری آرسن ولز چگونه است و آیا کیفیت صدای برنامه ها با موج اف ام (FM) واقعاً تفاوت چندانی با صدا در شیوه ی تولید برنامه در رادیوی قدیم دارد یا نه! همان سنخ تماشاگر کنسرت که از اجرا چیزی جز صدای بی یاد نمی آورد که انگار تا حدی از کوک نبودن پیانو خیر می دهد و همان نوع مخاطب، خریدار مستقیم و غیرمستقیم هر نوآوری پیشگامی به وی از سوی نظام انحصار فرهنگ توده است. نوآوری هایی که تبدیل به موضوع های ابدآل



کرده اند. نوجویی از این داعیه تغذیه می کنند که هیچ چیز تازه ای نمی تواند مستقل از آن وجود داشته باشد. همچنین از این منبع ادامه ی حیات می دهد که هر چیزی متفاوت جلوه کند، پیشاپیش به کار استنتاج و رده بندی از سوی افراد آگاه از آن می آید. اما [در مسابقه های معلومات عمومی] اشتیاقی که کنجکاری همراهِ آن بروز می کند، در حین روند بازتولید و اکتساب اطلاعات، نیرویی را هدر می دهد که می توانست برای تجربه ی امری حقیقتاً نوسن یا تولید آن مفید باشد. تا-هدفمندی و ناپذیری این اشتیاق، اطلاعاتی را که برای کسب شان به آن ها رجوع می کنند، بی اهمیت و نامربوط می سازد. هر قدر هم که آماده شدن اطلاعات و دانسته های فراوان جنبه ی کاربردی داشته باشد، به همان نسبت این قانون آهنین در مورد آن ها صادق است که اطلاعات ساده ی مورد بحث هرگز به تفکر امر اصیل دست نمی یابند و هرگز به تفکر نمی انجامند. [۶۳]

و نه به حاشیه برانده از سوی اجتماع، تکه دارند. درست همین بخش از مجموعه، ارتش ذخیره ی خارج شدگان آن، اجازه ی مشارکت در فرهنگ توده را می یابد: فرهنگ توده نوعی جنون سازمان یافته ی ارتباط هر چیز با چیزهای دیگر و تجسیم کلیت اسرار عمومی است. در چنین موقعیتی، همه ی آگاهان از آن اسرار، در امر مخفی سهیم دارند، همان طور که در نظام ناسیونال-سوسیالیست آلمان هیلترى ناگفته به همه برتری عضویت در جامعه ی مرموز نژادی و خونی پیشکش می شد. اما گرایش به باج خواهی نظام انحصار که در آن نوجویی و کنجکاری [مورد اشاره هایدگر] و بی نزاکتی یکدیگر را کامل می کنند، بخشی از خشونت است که فرد فاشیست همواره آماده ی کاربرد آن در برابر محرومان از برتری عضویت در نظام نژادپرست است. ارضای حس کنجکاری به هیچ وجه تنها در خدمت صرفه جویی و اقتصاد روانی نیست، بلکه در اصل منافع مادی بی واسطه ای را دنبال می کند. در چنین

کارتون روز بدون شرح

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کارپاکتوریست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاہدی
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۸

Advertisement for 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook Afghanistan' featuring logos and contact information.

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یاتکر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com